



# فقه نظام‌ساز

فصلنامه علمی - پژوهشی  
سال دوم: شماره هشتم؛ پاییز ۱۴۰۲

## ظهور فقه تربیتی در سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم

سیدنقی موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

تمایل علم سکولار به حذف و تقلیل دین از عرصه‌ی تعلیم و تربیت ضرورت کاوش در «تربیت اسلامی» و مطالعات بنیادین درباره‌ی نهادهای آموزش دینی از جمله حوزه‌های علمیه را دوچندان کرده است. فقه تربیتی به‌مثابه بانی جدید در فقه و قلمروی نوین در تربیت پژوهی اسلامی، محصول نوآوری و ابداع در دامن حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده است که اکنون به تراکم دانشی، تربیت نیروی انسانی، اقبال دانش پژوهان و اقتناع نخبگانی رسیده است. این نوشتار در تلاش است با روش توصیفی - تحلیلی مراحل تولید، رشد و بلوغ فقه تربیتی را در سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم بررسی نماید. نتایج نشان می‌دهد که رویکرد کتب فقهی به مسائل تربیتی بسیار اندک، تُنگ و استطرادی بوده است و در آثار فقهی سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم نیز تفاوتی در توجه به مسائل تعلیم و تربیتی مشاهده نشده است. فقه تربیتی در بستر گفتمان انقلاب اسلامی و براساس تجارب متراکم مدیریتی استاد علیرضا اعرافی در طی دو دهه تدریس خارج توسط ایشان ارائه، پژوهش، ساختارسازی، شاگردپروری و راهبری شد و هنوز در حال رشد و بلوغ است. مؤلف در پایان با نظر داشت غیاب دانش فقه در تحولات تربیتی سده‌ی اخیر جامعه‌ی ایرانی، پیشنهاداتی برای اصلاح و بازسازی در آینده‌ی فقه تربیتی ارائه نموده است.

**واژگان کلیدی:** تربیت اسلامی، حوزه‌ی علمیه‌ی قم، اسلامی‌سازی علوم تربیتی، علیرضا اعرافی، فقه تربیتی.

۱. گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان

\* این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) تألیف شده است.



## بیان مسئله

علم سکولار تمایل دارد آموزش عمومی و آموزش عالی (مدرسه و دانشگاه) را به صورت ایندنیایی (سکولار) روایت نماید و نماد و نمودهای دین را حذف و تقلیل دهد. در عصر حاضر «تربیت سکولار» در تلاش است حضور دین در تربیت را حذف و یا محدود نماید و با حذف «تربیت دینی» و جایگزینی «تربیت اخلاقی» و «تربیت معنوی» جای خالی دین را پُر نماید و یا در نگرشی راهبردی اگر از حذف دین در تربیت عمومی ناتوان بود، به خوانش سکولاریستی از تربیت دینی تن دهد و الگوهای «تربیت دینی سکولار» را ارائه نماید.

در این مجادله و مقابله، تربیت دینی و تربیت اسلامی باید با قوّت و قدرت عرصه‌ی نظر و عمل را درنوردد. در این میان، حوزه‌های علمیّه نقش بزرگی برعهده دارند. تاریخ حوزه‌های علمیّه و به‌خصوص حوزه‌ی علمیّه‌ی قم و سده‌ی اخیر باید مورد پژوهش قرار گیرد؛ چراکه هرچند تجدید حیات حوزه‌ی علمیّه‌ی قم با جهاد مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری بوده؛ اما این تجدید حیات با مهم‌ترین تغییرات سیاسی و اجتماعی و علمی در ایران و نفوذ فکر تجدد و غربگرایی و عرفی‌سازی هم‌زمان بوده‌است و از این منظر مطالعه‌ی سده‌ی اخیر حوزه‌های علمیّه اهمیت دارد و لازم است از منظر تاریخی، تحلیلی، تطبیقی، آینده‌شناسانه، جامعه‌شناختی و بنیادین مطالعه شود.

آموزش و پرورش از دیرباز برای جوامع و نهادهای ملّی و بین‌المللی مهم بوده و هست و ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی و از جمله تلاش برای اسلامی‌سازی علوم تربیتی و ارائه‌ی نظریات بومی تربیتی بر مبنای اسلام همچنان احساس می‌شود. فقه تربیتی به‌مثابه شاخه‌ای جدید در تربیت پژوهی و بانی جدید در فقهت در دامن حوزه‌ی علمیّه‌ی قم شکل گرفته‌است و مسیر بلوغ خود را طی می‌کند و از مرحله‌ی ایده‌پردازی، تولید ادبیات، تأسیس رشته‌ی تحصیلی، استقبال دانش‌پژوهان و طلاب، تربیت استاد و پژوهشگر عبور کرده و به مرحله‌ی تراکم دانشی، اقبال‌نخبگانی و استقبال اساتید و فضلا رسیده‌است و ضرورت دارد ظهور این باب جدید را که هم مطالعات تربیت اسلامی و هم پژوهش‌های فقهی را به تحرک و نوزایی و



به‌روزی بودگی دعوت کرده‌است، مورد بررسی قرار دهد.

بنابراین، این نوشتار درصدد است تطوّر تاریخی «ظهور فقه تربیتی در سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم» را بررسی نماید و به این پرسشها پاسخ دهد: مراحل ظهور و تطوّر فقه تربیتی در دامن فقه شیعه و نیز مکتب قم چگونه بوده‌است؟ سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم در تولید و رشد فقه تربیتی چه نقشی داشته‌است؟ فقه تربیتی هم اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟

فقه تربیتی در نوشتار حاضر عبارت است از بررسی احکام تکلیفی و وضعی افعال مربّیان و مترّبان در فرایند تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش (اعمّ از فرایند تربیت رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی و اعمّ از برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی) براساس منابع شریعت اسلامی (کتاب، سنّت، عقل).

با توضیح فوق روشن است که «فقه تربیتی» به «فقه دگرسازی» اختصاص دارد و بحث از «فقه خودسازی» در «فقه اخلاق» بررسی می‌شود. بنابراین، در این نوشتار تنها به پیشینه‌ی فقه تربیتی پرداخته خواهد شد و نه پیشینه‌ی فقه اخلاق. فقه تربیتی دارای مبانی، مبادی و قلمروهایی است که در مجالی دیگر کاویده شده‌است (موسوی، ۱۳۹۵) و طراح، تعریف و تحدید قلمرو آن ممکن است با سؤالاتی مواجه باشد که در مجالی دیگر بررسی شده‌است. (موسوی، ۱۳۹۷ الف)

روش تحقیق نوشتار حاضر روش تاریخی، توصیفی و تحلیلی است و در تلاش است با ردگیری شواهد توجّه فقه به موضوعات تعلیم و تربیتی در تراث فقه شیعه و با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای مراحل شکل‌گیری ایده‌ی «بررسی احکام فقهی تربیت» را شناسایی و با گردآوری شواهد و با تمرکز بر سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم مقاطع تاریخی تولید، رشد و بلوغ فقه تربیتی به‌مثابه بانی از ابواب فقه اسلامی و رشت‌های از رسته‌های تحصیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و از قلمروهای پژوهشی تربیت‌پژوهی در دامن مطالعات تربیت اسلامی را تبیین نماید.

در حدّ اطلاع، تاکنون پژوهشی در مورد ظهور و تطوّر فقه تربیتی در سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم انجام نشده‌است و حتی به‌صورت کلی‌تر پیشینه‌ی فقه تربیتی در تراث فقه اسلامی نیز سابقه‌ی چندانی نداشته و تنها در پژوهش‌های پیشین به این



سطور، توجه شده است. (موسوی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۷؛ ۱۴۰۱؛ الف)

## دوره‌ی اول: حضور مسائل تربیتی در منابع فقهی

صاحب این قلم در نوشتاری دیگر به تفصیل، مسائل تربیتی مطرح شده در منابع فقهی را بررسی کرده است (موسوی، ۱۳۹۲) و در مجاللی دیگر به صورت ویژه نقش فقیهان شیعه در طرح موضوعات تعلیم و تربیتی در فقه را کاویده (موسوی، ۱۳۹۷؛ الف) و در نوشتاری دیگر به صورت خاص پیشینه‌ی یک شاخه از شاخه‌های فقه تربیتی به نام «فقه معلّمی» را بررسی کرده است. (موسوی، ۱۴۰۱؛ الف)

موسوی (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «پیشینه‌ی رویکرد فقهی به تربیت» در یک بخش رویکرد فقهی به تربیت را در آثار اهل سنت بررسی کرده و رساله‌ی «آداب المعلّمین» ابنسحنون (م ۲۵۶ق) و «الرسالة المفصلة لحوال المتعلّمین» و «احکام المعلّمین و المتعلّمین» ابوالحسن قابسی (م ۴۰۳ق) و رویکردها و شواهد نگاه فقهی به موضوعات تعلیم و تربیتی را در کتاب «احیاء علوم الدّین» ابوحامد غزالی (م ۵۵۰ق) و آراء فقهی خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) در مسائل تربیتی را در کتاب «الجامع لاخلاق الرّوای و آداب السّامع» و نیز کتاب «تذکرة السّامع و المتکلم فی آداب العالم و المتعلم» تألیف ابن جماعه (م ۷۳۳ق) و نیز فتاوی تربیتی ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ق) در کتاب «عنوان تحریرالمقال فی آداب و احکام و فوائد یحتاج الیه مؤدّب و الأطفال» را بررسی و گزارش داده است.

همچنین آراء تربیتی فقیهان شیعه را در دو بخش احکام مربّیان و احکام متربّیان در زیرعنوان‌هایی چون تمهیدات تربیتی، تربیت دینی، تربیت جنسی، تربیت بدنی، تربیت خانوادگی، تربیت حرفه‌ای، احکام آموزش بررسی و گزارش و دسته بندی نموده است.

موسوی (۱۳۹۷؛ ب) در مقاله‌ی «نقش عالمان شیعه در فقه التّربیه» گذشته و آینده‌ی فقه تربیتی را در دامن فقه شیعه کاویده و تلاش کرده است آراء فقیهان شیعه در موضوعات تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش را در سه بخش مسائل تربیتی کودکی اول، کودکی دوّم و کودکی سوّم گزارش و بررسی نماید.



راقم این سطور در نوشتاری دیگر تلاش کرده‌است فقه معلّمی را به‌عنوان یک قلمرو از قلمروهای فقه تربیتی طرّاحی و تأسیس نموده (موسوی، ۱۴۰۱ ب) و در مقال دیگری مسائل مربوط به احکام معلّم و معلّمی را گردآوری و تبیین نماید. در این مقاله، موضوعات و احکام موجود در دانش فقه را در زیرعناوینی چون محتوای آموزشی، اخذ اجرت بر تعلیم، ضمان معلّم، روش تدریس، آداب و احکام معلّمی و... مطرح کرده و تلاش کرده‌است جغرافیای مسائل فقه معلّمی را صورت بندی نماید. (موسوی، ۱۴۰۱ الف)

موسوی نتیجه‌ی پیشینه‌شناسی خود از رویکرد فقه به تربیت را در ضمن نکات زیر به‌عنوان تحلیل روند پژوهانه و درس‌هایی از گذشته‌ی فقه تربیتی برای آینده‌ی فقه تربیتی، این‌چنین مطرح کرده‌است:

۱. تعداد و قلمرو مسائل تربیتی منعکس شده در تراث فقهی شیعه، با کمیت و قلمرو مسائل تربیتی در عصرهای خود متناسب نبوده‌است (چه رسد به کمیت و قلمرو مسائل تعلیم و تربیتی در قرن بیست و یکم)؛

۲. حجم مسائل آموزشی و پرورشی مطرح شده در تراث فقهی در طول قرون به‌صورت تصاعدی افزایش نیافت که این، در اختصاص نداشتن بایی مستقل به مسائل تربیت (باب التّربیة) ریشه دارد؛

۳. بساطت مسائل تربیتی و مواجهه‌ی بسیط فقه با آن، به دلیل بساطت فرایند و سازمان آموزش در عصرهای مختلف بوده‌است. هرچند نظام آموزش و پرورش از قرن سیزدهم شمسی در ایران به‌صورت مدرن درآمد و مدارس جدید با نظامات جدید ظهور کرد؛ امّا انتظار می‌رفت که دست‌کم در قرن اخیر شاهد مواجهه‌ی جدی و ویژه‌ی فقه با مسائل آموزشی و تربیتی باشیم؛

۴. غلبه‌ی نگرش فردی و عدم نگرش جمعی به تعلیم و تربیت که فرایندی اجتماعی و در تعامل چند انسان شکل می‌گیرد، از دیگر مختصّات گذشته‌ی فقه تربیتی است که باید تکمیل و بازنگری شود؛

۵. استطرادی بودن طرح مسائل تربیتی در تراث فقهی موجب شد که فقه، رویکردی منسجم و نظام‌وار به تربیت نداشته باشد و به‌تبع، احکام مستنبط نیز از



ویژگی نظام‌وارگی برخوردار نباشند؛

۶. نداشتن رویکرد حکومتی به تعلیم و تربیت به اقتضای موقعیت جامعه‌ی آن روز بود یا در نداشتن نفوذ اجتماعی و سیاسی گسترده‌ی فقه در جوامع. دستکم در ایران و عراق (و کشورهای موطن فقه) حتی در مواقعی که شیعه به نهاد قدرت و حاکمیت نزدیک شده، ریشه داشته‌است. (موسوی، ۱۳۹۷ ب)

### دوره‌ی دوم: توجه فقه به تربیت در سده‌ی اخیر

بررسی‌های تفصیلی در تراث فقهی در سده‌ی اخیر با کمک نرم‌افزار جامع فقه و نرم افزارهای فقهی مشابه نشان می‌دهد؛ هرچند در سده‌ی اخیر تحولات ناظر به تعلیم و تربیت بسیار بوده‌است و نظام تعلیم و تربیت جدید و رسمی در ایران با تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون آغاز شد و سنگ بنای این مدرسه توسط امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ق (۱۲۲۵ش) در تهران نهاده شد و در سال ۱۲۶۸ق (۱۸۵۱م) گشایش یافت؛ (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۱) اما این تحولات در دانش فقه منعکس نشد و به لحاظ کمی و کیفی تغییری در طرح مسائل تعلیم و تربیت در مباحث فقهی به صورت قابل ملاحظه پدید نیامد و عمدتاً همان مسائل تُتک و اندک که در عصرهای قبل در لابه‌لای ابواب فقهی مطرح می‌شد، در فقه سده‌ی اخیر و از جمله فقه سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمی‌قم منعکس شد و اساساً نمی‌توان وجوه فارق‌ی برای ورود فقه به عرصه‌ی تعلیم و تربیت در سده‌ی اخیر برشمرد.

البته به صورت یک حدس پژوهشی ممکن است در طرح برخی مسائل کوچک و محدود، تغییراتی صورت گرفته باشد. برای نمونه، به تبع رشد مدرسه‌داری و مدرسه‌سازی، موضوع اقتصاد آموزش و مسائل پیرامونی آن مانند مدرسه‌سازی و وقف مدرسه در کتاب «وقف» مطرح شده‌است (علاّمه حلّی، بی‌تا: ۴۳۵) و مصرف زکات در امور مربوط به مدرسه و مدرسه‌سازی نیز در کتاب «زکات» مطرح و جایز دانسته شد؛ (شیخ بهایی، بی‌تا: ۱۰۰) همچنان که توجه به مسائل مالی و اقتصادی اساتید و دانشپژوهان به خصوص مسائل آموزشی علوم واجب عینی و کفایی مورد اهتمام بوده‌است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵) و تأمین معیشت طلاب و دانش‌پژوهان و ارائه‌ی کمک



هزینه‌های تحصیلی یکی از مصارف زکات شمرده می‌شود. (حکیم، ۱۴۱۰: ۴۳۲)

در این مجال به اختصار به مواردی از طرح مسائل تعلیم و تربیت در کتب فقهی سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیّه‌ی قم اشاره می‌شود.

## ۱. مصطلحات فقه آیت الله مشکینی

مرحوم آیت الله علی مشکینی (م ۱۳۸۶ ش) در «مصطلحات الفقه» به شرح و توصیف اصطلاحات فقهی می‌پردازد و جالب است که در این اثر از برخی از موضوعات تعلیم و تربیت و نیز اخلاق بحث می‌نماید و در مواردی ضمن اظهار نظری فقهی، تحلیلی از آن ارائه می‌دهد. ایشان ذیل مدخل «ولایت»، انواع و مراتب ولایت را از ولایت خدا و رسول تا مأذونه را برمی‌شمارد و سپس از ولایت حاکمان و اُمراء و کارگزاران در تدبیر امور و تربیت زیردستان و نیز ولایت پدر و جدّ بر فرزندان کوچک که شامل ولایت بر تربیت و اصلاح و تدبیر مالی اموالشان است را ذکر می‌کند؛ همچنین ولایت هر بالغ عالم نسبت به معروف و منکرها در خصوص امر به معروف و نهی از منکر را برمی‌شمارد. (مشکینی، بی‌تا: ۵۷۵)

ایشان ذیل مدخل «یتیم»، از ضرورت تولّای تربیتی یتیم سخن می‌گوید و ذکر می‌کند که وقتی پدر بمیرد لازم است کسی به‌عنوان ولیّ بر کودک انتخاب شود تا او و اموالش را حفظ نماید و وی را تربیت و از خطرات حفظ نماید. (همان: ۵۷۶)

مؤلف ذیل مدخل «برّ»، به احسان به انسان جاهل و گمراه اشاره می‌کند و می‌گوید: «وجوب ارشاد جاهل و وجوب هدایت گمراهان و تعلیم‌شان مبتنی بر ولایتی است که حتّی از ولایت بر امر به معروف و نهی از منکر قوی‌تر است. همچنان که والی و حاکم بر مردم تکلیفی آموزشی و تربیتی دارد و احسان مذکور در این موارد به‌معنای دعوت به حق و دین است. البتّه نسبت به اهل حرب و اهل کتاب، حکم وجوب جهاد ابتدایی وجود دارد که آن‌هم در ابتدای جهاد ابتدایی، باید با دعوت به دین [به‌مثابه فعالیتی آموزشی و تربیتی] آغاز شود». (همان: ۱۰۵)

ایشان همچنین ذیل مدخل «تبلیغ» می‌گوید: «بدون هیچ اختلاف نظری، تبلیغ دین [به‌مثابه اقدامی آموزشی و پرورشی] بر افراد عالم و قادر واجب است؛ هم به‌نحو



و جوب عینی و هم به نحوِ وجوب کفایی» و مباحثی را در این زمینه از آیه‌ی نفر و امر به معروف مطرح می‌نماید. (همان: ۱۲۵) همچنین ذیل مدخل «تعذیب»، به موارد و محدوددهای که شارع مقدّس به اولیای کودکان و معلّمان برای تأدیب و تربیت و واداشتن آنان به انجام واجبات و ترک محرمات اجازه داده‌است، اشاره می‌نماید. (همان: ۱۵۲)

مؤلف ذیل واژه‌ی «حضانة» توضیح می‌دهد که این اصطلاح در کتاب «نکاح» در مورد حقّ حضانة و تربیتِ مادر یا پدر بر ولد مطرح شده‌است که نوعی ولایت خاص است که عقلاً و عرف آن را اعتبار کرده و شارع آن را امضا نموده‌است. (همان: ۲۱۲) مرحوم مشکینی در این کتاب به «فقه اخلاق» و احکام افعال و حالات اخلاقی نیز پرداخته‌است. ایشان ذیل عنوان «عجب»، بحثی کبروی در باب صفات رذیله را مطرح می‌کند مبنی بر این‌که از ظاهر عبارت فقها در مواردی بر می‌آید که صفات رذیله را حرام می‌شمارند؛ مانند شیخ حرّ عاملی که در «وسائل ابواب» صفاتی چون کبر، حسد، یأس و... را با عنوان «محرمات» نامگذاری می‌کند.

مرحوم مشکینی در مقام قضاوت می‌افزاید که متعلّق این حرمت نمی‌تواند نفس این صفات و ملکات نفسانی باشد؛ چراکه اموری غیراختیاری و در مواردی طبیعی و وراثتی هستند. در ادامه، خود دو راه حل ارائه می‌دهد که یا متعلّق حرمت باقی ماندن این صفات و ترک تلاش برای از بین بردن این صفات است و یا این‌که متعلّق حرمت، اقوال و افعال ناشی از این صفات رذیله است و در پایان همین توجیه را خود می‌پذیرد و به روایاتی استناد می‌کند که در آنها آثار خارجی صفات رذیله مورد نهی واقع شدند؛ نه نفس صفات. (همان: ۳۶۸-۳۶۹) ایشان در مواضع دیگر از حکم کبر و حسد و تطییر (تفأل بد) و... بحث می‌کند.

## ۲. اجوبة الاستفتائات آیت الله خامنه‌ای

در «اجوبة الاستفتائات» آیت الله سیّد علی خامنه‌ای، شانزده استفتای آموزشی و تربیتی گردآوری کرده و چنین احکامی مطرح نموده‌است: وجوب تعلّم احکام مبتلابه در صورتی که عدم تعلّم به ترک واجب و فعل حرام منتهی شود؛ عدم وجوب



عینی تحصیل تا حدّ اجتهاد به مجرد توانایی، اشکال داشتن تضييع وقت و بطالت در ایام دانشجویی؛ عدم حرمت تدریس مسائل قرض ربوی؛ جواز و وجوب تحصیل و تدریس فلسفه؛ عدم جواز خرید و فروش کتاب‌های گمراه‌کننده و جواز برای پاسخ‌گویی؛ عدم اشکال آموزش قصّه‌های تخیلی دارای فایده؛ وجوب حجاب بر دختران و حرمت نگاه حرام در مراکز آموزشی و وجوب اجتناب از اختلاط در دانشگاه‌ها؛ جواز آموختن رانندگی زن از معلم مرد در صورت عدم مفسده؛ جواز ارتباطات و گفت‌وگوهای علمی و تحصیلی در مدارس و دانشگاه‌ها میان دختران و پسران در صورت عدم مفسده؛ وجوب تخصص‌های علمی مفید و مورد نیاز مسلمین؛ عدم اشکال در فرستادن فرزندان به مدارسی که بعضی از عقاید فاسد در آن تدریس می‌شود، مشروط به عدم خوف نسبت به عقاید دینی فرزندان؛ وجوب حفظ حرمت معلّم و رعایت نظم کلاس حتّی در صورتی که معلّم دانش آموزی را تنبیه کرده باشد و عدم جوار مقابله به مثل و جواز پیگیری راه‌های قانونی و وجوب رعایت احترام و حرمت دانش آموزان بر معلّم. (خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۲۹۳-۲۹۷)

### ۳. رساله‌ی آیت‌الله مظاهری

رساله‌ی توضیح المسائل آیت‌الله حسین مظاهری شامل سه بخش است: (مظاهری، ۱۳۸۹) در بخش اول، احکام شرعی مبتلابه در ۲۳۹۹ مسئله مطرح شده است که شامل احکام امور شخصی مانند: خوردنی‌ها، شکار، نذر و قسم و...؛ امور اجتماعی مانند: معاملات، وکالت، کفالت، شفعه و...؛ امور مربوط به سیاسیات مانند: احکام قضاوت و شهادت، حدود، قصاص، دیات، انفال و...؛ مسائل مستحدثه مانند: بانک، بیمه، سرقفلی و... است.

بخش دوم احکام، مسائل اخلاقی است که در ۲۱۴ مسئله تنظیم شده است. مسائلی چون حکم احتکار، اسراف، اشاعه‌ی فحشا، تجسس، سرزنش، تندخویی، تهمت، خیانت، خلف وعده، دروغ و... ایشان با ادبیات فقهی در این بخش از احکام خمسه‌ی افعال اخلاقی بحث می‌کند و در واقع فقه‌الاخلاق به معنای فقه تعیین احکام خمسه‌ی افعال اخلاقی را به نمایش می‌گذارد.



بخش سوّم در مورد اصول عقاید است و در ۴۰ فصل به اصول دین و اصول مذهب پرداخته‌است.

درج مسائل اعتقادی در توضیح المسائل در رساله‌ی آیت‌الله جعفر سبحانی نیز دیده می‌شود. ایشان در ابتدای رساله‌ی خود توضیح می‌دهد که انسان از نظر اسلام دارای دو نوع تکلیف است: تکلیف قلبی و عقیدتی و تکلیف رفتاری و عملی. (سبحانی، بیتا: ۲۷) سپس در حدود ۱۰۰ صفحه از اصول عقاید اسلامی بحث می‌کند و وارد احکام شرعی می‌شود.

آیت‌الله مظاهری در مسئله‌ی ۱۹۱ کوتاهی در حقوق فرزندان را از گناهان بزرگ می‌خواند و تربیت صحیح اسلامی و آموزش آداب و رسوم اجتماعی و آموزش دانش در حدّ خوب خواندن و خوب نوشتن و تسمیه‌ی نام نیک را در زمره‌ی این حقوق می‌شمارد. ایشان در مسئله‌ی ۱۹۳ می‌گوید: «اگر والدین در حقوق اولاد [از جمله تربیت صحیح] کوتاهی نمایند گرچه ضمان ندارد؛ اما تا رضایت اولاد کسب نشود، توبه‌شان مقبول نمی‌شود». همچنین در مسئله‌ی ۱۹۲ در مورد روش تربیت چنین مینگارد: «تربیت باید با تلطف و مهربانی و تسلط بر اعصاب و با صبر و حوصله باشد و از پرخاشگری و تندى و کتک پرهیز شود، مگر این‌که چاره‌ای برای تربیت جز تندى یا کتک نباشد که در این صورت به اندازه‌ی ضرورت جایز است و دیه هم ندارد؛ ولی اگر کتک بی‌جا باشد یا برای تشفی خاطر باشد نه به خاطر تربیت، علاوه بر این‌که حرام است، دیه نیز دارد؛ و دیه‌ی آن در باب قصاص و دیات گذشت». (مظاهری، ۱۳۸۹)

#### ۴. موسوعة احکام الأطفال و ادلتها

کتاب مذکور در سال ۱۴۲۹ق و ۱۳۸۶ش منتشر شد. مؤلفان این کتاب هشت جلدی، هدف از نگارش خود را «جمع‌آوری مباحث و آرای فقهی مربوط به کودک» بیان داشته‌اند؛ به گونه‌ای که پژوهشگران را از رجوع به کتاب‌های فقهی دیگر، برای دستیابی به دیدگاه‌های فقیهان بی‌نیاز کند (انصاری، ۱۴۲۹، ۱: ۲۸) و اهمیت این کار را در اهمیت شریعت به تربیت اولاد می‌دانند؛ چراکه آیه‌ی ششم سوره‌ی تحریم،



وقایه‌ی اولاد را وقایه‌ی خود شمرده است (همان: ۲۶) و تمام احکام مرتبط به کودکان اعم از این‌که به تکالیف خودشان و یا تکالیف اولیاءشان مرتبط باشد، پرداخته‌اند (همان: ۳۰) و مباحث کتاب را براساس مراحل رشد کودک تنظیم کرده‌اند؛ یعنی مرحله‌ی قبل از ولادت، مرحله‌ی شیرخوارگی یعنی ۰ تا ۲ سالگی، مرحله‌ی کودکی اوّل یعنی ۳ تا ۶ سالگی، مرحله‌ی کودکی دوّم یعنی ۷ تا ۸ سالگی، مرحله‌ی تمییز اجمالی و بلوغ یعنی ۹ سالگی و بیشتر، مرحله‌ی تمییز کامل یعنی ۱۰ سالگی و بالاتر، مرحله‌ی رشد و کمال. (همان: ۳۱)

این کتاب تمام احکام کودک را جمع‌آوری کرده و در ده باب تنظیم شده است: باب اوّل، درباره‌ی وظایف والدین پیش از ازدواج، دوران بارداری و پس از تولّد نوزاد است. این بخش که بسیاری از اقدامات تمهیدی تربیت کودک را نیز دربردارد در ده فصل تنظیم شده است که عبارت است از: حکم ازدواج، ویژگی‌های زوجین، مسائل خلوت زن و شوهر، تغذیه در دوران بارداری، احکام بارداری، حقوق جنین، مستحب‌های هنگام وضع حمل، عقیقه، ختنه، سوراخ کردن گوش، ولیمه و رضاع [شیردادن].

باب دوّم، به موضوع حضانت کودک می‌پردازد. در این باب از این مسائل بحث شده است: وجوب حضانت، حضانت وظيفه‌ی پدر یا مادر یا هر دو، وجوب عینی یا کفایی حضانت، حکم یا حق بودن حضانت، زمان حضانت، وضعیت حضانت در فقدان پدر و مادر، اجرت بر حضانت و....

باب سوّم، درباره‌ی نفقه‌ی کودکان است که بر چه کسی واجب است، از چه غذایی باید نفقه را تأمین کرد، نفقه‌ی ایتام و....

باب چهارم، به موضوع «ولایت بر کودکان» اختصاص داده شده که درباره‌ی ولایت پدر و پدربزرگ، مولی، وصی و نیز ولایت حاکم بر ازدواج کودکان، [پایان جلد اوّل] ولایت‌های دیگر، ولایت بر اموال کودکان و... بحث شده است.

باب پنجم این اثر، به «موارد تصرّف اولیا» می‌پردازد و این‌که در چه مواردی اولیای کودک حقّ تصرّف در اموال کودک را دارند و نیز چگونه باید از حقوق کودک دفاع کنند. عناوین این باب عبارتند از: خرید و فروش، تجارت و مصالحه، تجارت،



اجاره‌ی اموال کودک، استیفای حقوق کودک، وصیت به ولایت.

باب ششم، درباره‌ی «تعیین نسب کودکان و انتساب آنان به والدین و نیز احکام کودکان سر راهی» است. در این باب از فرزندخواندگی نیز بحث شده‌است.

باب هفتم، با عنوان «باب التَّربیة والتَّعلیم و بیان المصاٰدیق والمناہج المؤثّرة فیها» نامگذاری شده‌است که شامل پنج فصل به نام‌های زیر است: معنا و حکم تربیت، روش‌های تربیتی، وظایف اولیا در تربیت کودک، آموزش کودکان به آداب نیکو، مواسات و عدالت بین فرزندان. [پایان جلد سوم] این مباحث که در حدود ۲۶۰ صفحه تنظیم شده‌اند، در مواردی به بررسی تفصیلی و اجتهادی احکام مسائل تربیتی پرداخته‌است. از این جهت این باب در نوع خود کم نظیر است.

باب هشتم به احکام طهارت کودکان اختصاص دارد و به احکام پاکیزگی، طهارت برای عبادات و نیز احکام جنازه‌ی کودکان می‌پردازد.

باب نهم، «عبادات الصبی» نام دارد که در هشت فصل سامان‌یافته به موضوع‌هایی مانند: مشروع بودن عبادت کودکان، نمازگزارى کودکان، روزه‌گرفتن، پرداختن خمس و زکات از اموال کودکان، به‌جا آوردن حج و انجام جهاد و امر به معروف از سوی کودک می‌پردازد. در پایان «استحباب سلام کردن به کودکان» را نیز بررسی می‌کند. [جلد چهارم و پنجم].

باب دهم در مورد تصرّفات الصّبی است که از بیع صبی، رهن صبی، محجوریت صبی، بلوغ صبی، رشد صبی، ضمان و کفالت و حوالت، صلح، عاریه، اجاره، وکالت، صدقه، هبه، وصیت، نکاح و طلاق توسط صبی بحث می‌کند. [جلد ششم] همچنین به إقرار و حیازت، شهادت، دیات و... توسط صبی پرداخته‌است. [جلد هفتم و هشتم]

### دوره‌ی سوّم: تأسیس فقه تربیتی

سوّمین دوره از تاریخچه‌ی فقه تربیتی را می‌توان دوره‌ی معاصر و دوره‌های دانست که فقه تربیتی به صورت ایده‌های منسجم و منضبط مطرح و در قالب آثار پژوهشی به بازار عرضه شده‌است. مبدع و ایده‌پرداز فقه تربیتی آیت الله علیرضا اعرافی از فقیهان



حوزه‌ی علمیّه‌ی قم است که محصول تلاش‌های ایشان در دو دهه در پیشروی قرار دارد.

در این دوره، فقه تربیتی در بستر حوزه‌ی علمیّه‌ی قم و براساس گفتمان انقلاب اسلامی امام خمینی و در منظومه‌ی اندیشه‌ی استاد اعرافی متولّد و بلوغ یافت. طرح ایده‌ی فقه تربیتی توسط وی به صورت رسمی و یک گفتمان دانشی، به دهه‌ی ۷۰ شمسی بازمی‌گردد. ایشان می‌گوید: تدریس سلسله‌مباحث فقه‌التربیه از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ هفته‌ای دو ساعت به صورت رسمی در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم آغاز شد و سپس از سال ۱۳۸۳ این دروس از سرگرفته شد. (اعرافی، ۱۳۹۴، پیش‌گفتار)

براساس اطلاعات موجود در سایت مؤسسه‌ی اشراق و عرفان<sup>۱</sup> (به‌عنوان مؤسسه‌ی پژوهشی ایشان) درس‌های فقه تربیتی و فایل‌های صوتی و متنی این دروس، در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ خاتمه یافت و در سال تحصیلی بعد، به جای آن دروس «فقه روابط اجتماعی» آغاز شد. مجموع فایل‌های صوتی جلسات این دروس براساس اطلاعات سایت مذکور از سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۷ تا سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ و در طول ۱۹ سال، در مجموع ۶۶۴ جلسه می‌باشد.

قدمت طرح ایده‌ی «بررسی اجتهادی مسائل تربیتی» توسط استاد اعرافی در همان سال‌ها در سرمقاله‌ها، یادداشت‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان قابل رهگیری است. (اعرافی، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵، الف، ۱۳۸۵)

از جمله ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری ایده‌ی فقه تربیتی توسط ایشان را می‌توان به فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی او در مدیریت مهم‌ترین مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه‌ی علمیّه‌ی قم در دهه‌ی ۱۳۷۰ شمسی اشاره نمود. از مدیریت گروه علوم تربیتی مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تاراست دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۹۰-۱۳۷۵) که بعدها به پژوهشکده و سپس پژوهشگاه ارتقاء یافت. این مدیریت‌ها در سال‌های بعد در ریاست مرکز جهانی علوم اسلامی (حاصل ادغام سازمان مدارس و حوزه‌های علمیّه‌ی خارج از کشور در سال ۱۳۸۷) و سپس ارتقاء مرکز جهانی به جامعه‌المصطفی‌العالمیه و در ادامه‌ی ریاست بر مدیریت حوزه‌های علمیّه‌ی کشور استمرار یافت.



در این دوره ایشان چندین کلان پروژه در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و پژوهشکده‌ی آن طراح‌ی و راهبری نمود که به احتمال زیاد ایده‌ی بازگشت به اصالت‌های حوزوی و روش منضبط اجتهادی در مطالعات تربیتی را می‌توان محصول همین دوران و ناشی از نابسندگی و نقّادی نسبت به روش‌های موجود مطالعات تربیت اسلامی دانست. پروژه‌های مذکور در قلمروهایی چون آراء تربیتی اندیشمندان مسلمان، سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، فلسفه‌ی تربیتی اسلام، معجم آیات و روایات تربیتی بوده که در قالب چندین مجلد توسط پژوهشگاه مذکور به چاپ رسیده‌است.

محتوای دروس فقه تربیتی استاد اعرافی در مؤسسه‌ی اشراق و عرفان با حضور شاگردان و محققان، مورد پژوهش، بسط، مستندسازی، مستدل‌سازی و با نظارت ایشان نگارش و منتشر می‌شود. جلد اول و دوم فقه تربیتی در سال ۱۳۸۷ توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شد. با تأسیس مؤسسه‌ی اشراق و عرفان آثار استاد اعرافی به‌طور منحصراً توسط این مؤسسه تنظیم و منتشر می‌شود. جلد اول و دوم فقه تربیتی با بازنگری کلان و افزایش حجم چندبرابری در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات مؤسسه‌ی اشراق و عرفان و ویراست جدید جلد اول در سال ۱۳۹۵ و ویراست جدید جلد دوم در سال ۱۳۹۶ توسط آن مؤسسه منتشر گردید.

مجموعه کتاب‌های فقه تربیتی در انتشارات مذکور در سه سطح تمام‌استدلالی، نیمه‌استدلالی (اعرافی، ۱۳۹۲ الف) و فتوایی (اعرافی، ۱۳۹۲ ب) و نیز تک‌نگاره (اعرافی، ۱۳۹۵) منتشر شده‌است. فهرست مجلدات تمام‌استدلالی فقه تربیتی به شرح زیر است:



وضعیت کلان‌پروژه فقه تربیتی (موسوعه‌ی فقه تمام‌استدلالی)، انتشارات مؤسسه‌ی اشراق و عرفان (بروزسانی ۱۳۰۱۱)					
وضعیت پیشرفت	ناظر	محقق	شماره جلد	زیر موضوعات	چارچوب کلان
چاپ (۱۳۹۱)	--	سید نقی موسوی	۱	مبانی و پیش‌فرض‌ها	۱. مبانی
چاپ (۱۳۹۱)	--	سید نقی موسوی	۲	تعلیم و تعلّم علم و دین	۲. تعلیم و تعلّم محتوا
چاپ (۱۳۹۶)	سید نقی موسوی	سید عنایت‌الله کاظمی	۳	تعلیم و تعلّم قرآن و حدیث	
چاپ (۱۳۹۵)	--	سید نقی موسوی	۴	تعلیم و تعلّم علوم و معارف عقلی	
چاپ (۱۳۹۵)	--	سید نقی موسوی	۵	تعلیم و تعلّم علوم و معارف شهودی	
در حال پژوهش ۷۰٪			۶	تعلیم و تعلّم علوم تجربی، غریبه و مهارت‌ها و مشاغل	
چاپ (۱۳۹۹)	سید نقی موسوی	جلد ۱/۷ احمد امامی راد جلد ۲/۷ مهدی شکرالهی	۷	آداب مشترک تعلیم و تعلّم	
چاپ (۱۴۰۰)	سید نقی موسوی	هادی عجمی	۸	آداب مختص تعلّم	
در حال پژوهش ۶۰٪			۹	صلاحیت‌های (اخلاقی - شخصیتی) معلّمی	
در حال پژوهش ۷۰٪			۱۰	روش‌ها و فنون تدریس	
چاپ (۱۴۰۱)	احمد شهامت	سید عنایت‌الله کاظمی	۱۱	اصول عمومی تعلیم و تربیت	۳. تربیت
در حال پژوهش ۸۰٪			۱۲		



در حال پژوهش ۲۵٪			۱۳		
در حال پژوهش ۸۰٪			۱۴	روش‌های عمومی تعلیم و تربیت	
در حال پژوهش ۳۵٪			۱۵		
در حال پژوهش ۴۵٪			۱۶		
چاپ (۱۳۹۶)	سید نقی موسوی	محمد قاسم رجایی	۱۷	تربیت جسمانی	
در حال پژوهش ۷۵٪			۱۸	تربیت عقلانی	
در حال پژوهش ۸۰٪	حسین مولودی	مهدی عزیزی	۱۹	تربیت اعتقادی	
چاپ (۱۳۹۶)	سید نقی موسوی	مهدی شکرالهی	۲۰	تربیت عبادی	
چاپ (۱۴۰۱)	احمد شهابت	حسین محمودیان	۲۱	تربیت اخلاقی	
چاپ (۱۳۹۶)	سید نقی موسوی	احمد امامی‌راد	۲۲	تربیت جنسی	
در حال پژوهش ۶۵٪			۲۳	تربیت اجتماعی و سیاسی	
راکد			۲۴	تربیت اقتصادی، فنی و هنری	
چاپ (۱۳۹۷)	سید نقی موسوی	جواد ابراهیمی	۲۵	وظایف نهاد خانواده در تربیت	۴. عوامل و نهادهای تربیتی
چاپ (۱۳۹۹)	احمد شهابت	محمد کاظم مبلغ	۲۶	وظایف نهاد حکومت در تربیت	۲۹



وظایف نهاد عالمان و نخبگان دینی در تربیت	۲۷	سید عنایت‌الله کاظمی	سید نقی موسوی	در حال اتمام
وظایف مراکز آموزشی در تربیت	۲۸	سید عنایت‌الله کاظمی	سید نقی موسوی	در حال اتمام
وظایف نهاد عموم مردم در تربیت		سید عنایت‌الله کاظمی	احمد شهابت	در حال اتمام
۵. قواعد فقه تربیتی	۳۰	سید عنایت‌الله کاظمی	محمدتقی مه‌ری	چاپ (۱۴۰۰)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود موسوعه‌ی فوق در برخی از مجلدات همچنان در حال تکمیل و پژوهش است.<sup>۱</sup>

جامعه‌المصطفی‌العالمیه (در زمان مدیریت استاد اعرافی) به‌عنوان یک حوزه‌ی علمیه‌ی بین‌المللی پس از اخذ مجوز از شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در سال ۱۳۹۲ ش اقدام به راه‌اندازی و اجرای دکترای تخصصی فقه تربیتی (PHD) در چند دوره نمود و هم‌اکنون نیز چندسالی است که مقطع کارشناسی ارشد آن فعال شده‌است و حدود ۲۵ رساله‌ی دکتری در این گروه آموزشی به تصویب و دفاع رسیده‌است. همچنین فقه تربیتی در درخت‌واره‌ی رشته‌های حوزه‌های علمیه (در دوره‌ی مدیریت استاد اعرافی)، در حوزه‌ی دانشی فقه و اصول، به‌عنوان رشته‌ی سطح چهار به تصویب رسیده‌است. (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۹: ۱۸)

۱. از منظر تاریخی، انتشار کتاب «نگرشی بر تعامل فقه و تربیت»، تألیف دکتر علی‌همت بناری (قم): مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ اول، ۱۳۸۳ ش) شایان ذکر است. این کتاب، پایان-نامه‌ی کارشناسی ارشد مؤلف به‌راهنمایی استاد علیرضا اعرافی و مشاوره‌ی دکتر عباسعلی شاملی بوده‌است. این کتاب در سه فصل سامان‌یافته که به ترتیب به فقه، تربیت و تعاملات این دو پرداخته‌است. این اثر در مقدمه‌ی خود از تحقیقات «موسوعه‌ی احکام الاطفال» مؤسسه‌ی فقهی ائمه‌ی اطهار (ع) تشکر می‌نماید. این اثر با نام «موسوعه‌ی احکام الاطفال و ادلتها» در سال ۱۳۸۶ ش منتشر شد و در سال‌های بعد به ۸ مجلد رسید. این دو اثر به‌لحاظ تاریخی با القا و انتشار ایده‌ی فقه تربیتی توسط استاد اعرافی هم‌زمان بوده‌اند.



همچنین جامعه‌المصطفی‌العالمیه، دوفصلنامه‌ی «مطالعات فقه تربیتی» (با رتبه‌ی ب- Q۲- وزارت علوم) را راه اندازی و تاکنون دوازده شماره، منتشر کرده‌است و به‌خوبی در حال انتشار ادبیات تخصصی فقه تربیتی می‌باشد.

با توجه به ظهور فقه تربیتی در قامت یک دانش و رشته‌ی علمی و طی مراحل قانونی خود، برخی از مراکز حوزوی در حال اجرای رشته‌ی فقه تربیتی (چه دکتری و ارشد و یا سطح ۴ این رشته) در حوزوی علمیه‌ی قم، تهران و مشهد می‌باشند و در حال حاضر، کرسی فقه تربیتی در سطح و خارج و نیز به‌عنوان چند واحد درسی در برخی از مراکز حوزوی علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌ها در حال تدریس و تدرّس است و مورد اقبال برخی از فضلا و اساتید درس خارج قرار گرفته‌است؛ همچنان که نگارش پایان‌نامه‌ی سطح ۳ و ۴ در حوزوی علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌ها در قلمروهای مرتبط به فقه تربیتی به مرور مشاهده می‌شود.

علاوه بر جانمایی رشته‌ی فقه تربیتی در ساختار دانشی حوزه‌های علمیه، با توجه به ضرورت تدوین کتاب درسی در قالب استانداردهای کتب حوزوی، دفتر فقه معاصر که در دوره‌ی مدیریت فعلی استاد اعرافی بر مدیریت حوزه‌های علمیه‌ی کشور به‌عنوان پیشرانی اثربخش در افق‌گشایی فقه‌های نو نقش آفرینی می‌کند، کتاب سه‌جلدی «فقه التعلیم و التّریبه» را از موسوعه‌ی فقه تربیتی استاد اعرافی استخراج و به زبان عربی تدوین نموده‌است و در مسیر انتشار است تا در شمار یکی از دروس جایگزین برای مقطع سطح جای گیرد.

### نتیجه‌گیری

نوشتر حاضر درصدد پاسخ به سؤال از مراحل ظهور و تطوّر فقه تربیتی در دامن فقه شیعه، مکتب قم و به شکل حاضر در سده‌ی اخیر حوزوی علمیه‌ی قم و توصیف وضعیّت کنونی این باب جدید بود. در بررسی‌ها نشان داده شده که موضوعات تربیتی در دانش فقه در طول تاریخ فقه بسیار اندک، بسیط و تکراری بوده و در لابه‌لای ابواب فقه از کتاب طهارات و صلاة و حج تا کتاب معاملات و زکات و تا کتاب جهاد و امر به معروف و مانند آن به‌صورت کاملاً استطرادی وجود



داشته‌است. در میان فقیهان سده‌ی اخیر حوزه‌ی علمیّه‌ی قم نیز همین روند وجود داشته و تغییر محسوسی مشاهده نشده‌است. برای مثال، در «کتاب النکاح» حضرات آیات سبحانی و شبیری زنجانی کمتر شاهی بر تمایل به موضوعات تربیتی و یا موضوعات تخصصی کودکان و یا اختصاص بخشی به آن دیده می‌شود و تناظری با موضوعات تربیتی - دست‌کم فرزندپروری - در سده‌ی اخیر مشاهده می‌شود.

ظهور انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش در ایران و غلبه‌ی گفتمان امام خمینی (ره) مبدایی بود برای انطاق و استنطاق فقه در مواجهه با مسائل جامعه‌ی اسلامی و مقابله‌ی هوشمندانه و فعال با تهاجمات فکری و فرهنگی گفتمان‌های رقیب. فکر تجزّی در اجتهاد و لزوم نگاه موضوعی و تخصصی به ابواب و موضوعات فقهی در کنار تحولات اجتماعی ایران و لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوشونده‌ی جمهوری اسلامی ایران، فقیهان را به سمت توجّه به بسط «فقه‌های نو» سوق داد. همان‌طور که این نگاه تجزیه‌ای و نیز رویکرد میان‌رشتگی در عرصه‌ی فلسفه (و تولّد فلسفه‌های مضاف) و تفسیر قرآن (و تولّد تفسیرهای تخصصی و از جمله تفسیر تربیتی قرآن) و کلام (و تولّد کلام جدید و الهیات‌های تخصصی) نیز اثرگذار بود.

طبق بررسی‌ها ایده‌ی بررسی فقهی و اجتهادی مسائل تعلیم و تربیتی (در کنار بررسی‌های فلسفی، تاریخی، قرآنی، حدیثی موضوعات تربیتی و کشف و استخراج معارف تربیتی قرآنی، حدیثی و...) در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۷۰ش توسط استاد علیرضا اعرافی ابداع، تدریس، پیگیری، نهادسازی، شاگردپروری و راهبری شد. فقه تربیتی از فقه‌های نوینی بود که تنها در حدّ نام و شعار باقی نماند و در شمار پیشگامان فقه‌های نو بود که به تراکم دانشی، اقتناع نخبگانی، اقبال اساتید و طلاب رسید. در این میان شخصیت مدیریتی و اجرایی ایشان و مواجهه‌ی مستقیم ایشان با جامعه و نیازهای جمهوری اسلامی و وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش<sup>۱</sup> در طراح‌ی و تولید ایده‌ی فقه تربیتی بسیار دخیل بوده‌است.

۱. در همین رابطه می‌توان به انعکاس فقه تربیتی در نگارش «سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش» و «مبانی نظری تحوّل بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی - عمومی جمهوری اسلامی ایران» به‌خاطر همزمانی مطالعات مذکور با القاء درس فقه تربیتی استاد اعرافی و نیز حضور استاد اعرافی در مطالعات پشتیبانی سند تحوّل به‌عنوان ناظر (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۲۴ و ۲۶ و ۳۰) ناظر علمی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی (همان: ۱۹) اشاره کرد.



غیاب تحقیقات فقهی در موضوعات تعلیم و تربیتی به دلیل فاصله با نیازهای عصری، نباید ما را از پیشگامی و توجه برخی حوزویان به آموزش و پرورش جدید غافل نماید. توضیح آن‌که پادشاهی رضا میرپنج (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ ش) و محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ ش) در سده‌ی اخیر تحولات زیادی را در فضای فکری، فرهنگی و تربیتی ایران رقم زد و بنا بر گزارش برخی از محققان رضاخان قریب به دو دهه با اقتدارگرایی کامل سه هدف ناسیونالیسم، سکولاریسم و مدرنیزاسیون را دنبال کرد.

«رضاشاه در آرزوی تبدیل ایران به دولت - ملّتی مدرن بود که پیشرفت ایران به دریافت دستاوردهای فناورانه غرب و وام‌گرفتن برخی ارزش‌های فرهنگی غرب و مؤسسات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن است. از منظر رضاشاه برای تحقیق هر سه هدف، یک نظام آموزشی مدرن، نیازی اولیّه و در واقع حیاتی بود.» (مناشری، ۱۳۹۹: ۱۴۴) در این میان که با تضعیف شدید حوزه‌های علمیّه همراه بود، با سقوط رضاشاه در ۱۳۲۰ فضای ایران با گشودگی نسبی مواجه شد و روحانیونی مثل شیخ عباسعلی اسلامی در مواجهه با پدیده‌ی مدرسه‌ی وارداتی مدرن و نظام تربیت مدرسه‌ای، شروع به فعالیت و تأسیس «مدرسه‌ی اسلامی» کردند.

به بیانی دیگر، مدرسه‌ی مدرن در اواخر دوره‌ی قاجار وارد ایران شد و ظهور پهلوی در سال ۱۳۰۴ ش مقارن با مجاهدت حاج شیخ عبدالکریم حائری در بازتأسیس حوزه‌ی علمیّه‌ی قم در حدود سال ۱۳۰۱ ش بود؛ هرچند این تقارن تاریخی با خفقان شدید اجتماعی و سیاسی همراه بود و در واقع حوزه‌های علمیّه به دلیل ضعف نیروهای فکری و اجتماعی در تحولات تربیتی جامعه‌ی ایرانی غایب بودند؛ امّا به برکت انقلاب خمینی بزرگ در سال ۱۳۵۷ ش، در قرن جدید و در حال حاضر وضعیّت به روزبودگی فقه شیعه و حوزه‌ی علمیّه‌ی قم در توجه به تحولات تربیتی و آموزشی جامعه‌ی ایرانی متفاوت است.



فقیه میبیدی مجلّد (مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری) در حدود سال ۱۳۰۱ش در تقابل با دیکتاتوری پهلوی قیام کرد و تحولات چشم‌گیری را در احیا و بازسازی حوزه‌ی علمیّه‌ی قم رقم زد و صد سال بعد فقیه میبیدی دیگری (آیت الله علیرضا اعرافی) در تجدید حیات حوزه‌های علمیّه و برساخت حوزه‌ای متناظر با نیازهای تربیتی انسان معاصر و انقلاب اسلامی در حال تلاش و تدبیر است.

حیات و ممات فقه‌های نو در گروه مدیریت صحیح تولید دانش و تربیت نیروی انسانی و ساختارها و نهادها است و لازم است با نگاه به آینده‌های محتمل و با هدف مدیریت تولید دانش فقه تربیتی، به فکر اصلاح و تکمیل خلأها در فرایند رشد فقه تربیتی بود. بر این اساس، توصیه‌ها و پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- لزوم توسعه‌ی رشته‌های فقه تربیتی (سطح سه و چهار و ارشد و دکتری) در مراکز مجری و دقّت در صدور مجوزها همراه با رعایت استانداردهای آموزشی؛
- لزوم طراحی دوره‌های پسادکتری و سطح پنج حوزه‌ی علمیّه برای فقه تربیتی؛
- لزوم توجّه به تربیت اساتید و محققان فقه تربیتی همراه با بسترسازی برای جذب هیأت علمی در مراکز حوزوی؛
- تمهید فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان فقه تربیتی در مراکز آموزشی و پژوهشی و نیز آموزش و پرورش و تربیت معلّم؛
- لزوم راه اندازی انجمن علمی فقه تربیتی در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم و نیز انجمن فارغ‌التحصیلان فقه تربیتی؛
- لزوم ترجمه‌ی دقیق و فنی و مدیریت شده‌ی آثار فقه تربیتی به زبان‌های دیگر دست‌کم انگلیسی و عربی؛
- لزوم توجّه تفقّه تربیتی به بعد اجتماعی، سازمانی، دولتی و حکومتی تربیت رسمی در عصر حاضر؛
- لزوم اشراق نگاه جامع به تربیت در تفقّه تربیتی و صدور تجویزات تربیتی به صورت نظام‌واره؛



- لزوم توجه به حیثیت فرایندی تربیت و توجه به تدوین «فقه فرایند تربیتی»؛
- اتخاذ رویکرد تمدنی و جهانی در فقه تربیتی با توجه به عرصه‌ها و موضوعاتی چون آموزش چندفرهنگی، آموزش صلح، تربیت برای جامعه‌ی جهانی (مهدوی)، تربیت دیجیتال و آموزش سواد رسانه‌ای، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، تربیت عقلانی و فبک (فلسفه برای کودکان)؛
- لزوم توجه به «عمل تربیت» و «عینیت و موقعیت تربیتی» و توسعه‌ی فقه تربیتی براساس رویکرد نیازسنج و مسئله‌یاب؛
- لزوم پیگیری و ادامه فرایند تفقه تربیتی تا ورود به عرصه‌های سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی و حضور در سندنگاری تربیتی و فرهنگی؛
- لزوم گسترش زیرشاخه‌های فقه تربیتی مانند: فقه معلّمی، فقه تربیت معلّم، فقه کودکی، فقه مهدکودک، فقه آموزش عالی؛
- لزوم گسترش قلمروهای پیرامونی برای فقه تربیتی مانند: اصول فقه تربیتی (روش‌شناسی فقه تربیتی)، فلسفه‌ی فقه تربیتی و مطالعات تطبیقی فقه تربیتی؛
- لزوم هوشیاری و گشودگی فقه تربیتی (بعد از فرایند تولید - تفقه و افتاء تربیتی -) به فرایند اجرا (امثال و اجرایی‌سازی) و بازخورد و اصلاح و تکمیل فتاوا و تجویزات تربیتی متناسب با پیچیدگی‌ها، تغییرات و تبدلات موضوعات؛
- لزوم دیده‌بانی و پایش کنش‌ها، فرایندها و پدیده‌های تربیتی محتمل توسط فقه تربیتی؛
- لزوم توجه، تناظر و تعامل فقه تربیتی با فقه اخلاق و نیز اخلاق تربیتی و حقوق تربیتی.



## منابع

۱. انصاری، قدرت‌الله و دیگران (۱۴۲۹ق)، موسوعه احکام الأطفال و ادلتها، قم: مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار (ع).
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش‌های تربیت، (گروهی از پژوهشگران: تحقیق و نگارش)، قم: مؤسسه‌ی اشراق و عرفان.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ الف)، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، (سید نقی موسوی: تحقیق و نگارش)، قم: مؤسسه‌ی اشراق و عرفان.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ ب)، احکام تربیت فرزند، (سید نقی موسوی: تحقیق و نگارش)، قم: مؤسسه‌ی اشراق و عرفان.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، فقه تربیتی مبانی و پیش فرض‌ها، ج ۱، (سید نقی موسوی: تحقیق و نگارش)، قم: مؤسسه‌ی اشراق و عرفان.
۶. بهایی (شیخ)، بهاء‌الدین (بی تا)، جامع عباسی و تکمیل آن، ج ۱، تهران: منشورات الفراهانی.
۷. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة، ج ۱۸، قم: مؤسسه‌ی النشر الإسلامی.
۸. حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، ج ۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا)، تذکرة الفقهاء، بی جا: بی تا. [نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ۱/۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی].
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴ق)، أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، قم: دفتر مقام معظم رهبری.
۱۱. سبحانی، جعفر (بی تا)، توضیح المسائل، بی جا: بی تا. [نرم‌افزار آثار آیت‌الله سبحانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی].
۱۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحوّل بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. صفوی، امان‌الله (۱۳۸۱)، تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران: رشد.
۱۴. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیّه (۱۳۹۹)، درخت‌واره‌ی رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی حوزه‌های دانشی علوم اسلامی، نسخه ۴۰، ویرایش نیمه خرداد.
۱۵. مظاهری، حسین (۱۳۸۹)، رساله توضیح المسائل، اصفهان: مؤسسه‌ی فرهنگی-مطالعاتی الزهراء (س).
۱۶. مشکینی، علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا: بی تا. [نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ۱/۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی].
۱۷. مناشری دیوید (۱۳۹۹)، نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن، (محمدحسین بادامچی و عرفان مصلح: مترجم)، تهران: نشر سینا.

## مقالات

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۷۹)، «روش‌های استنباط آداب تعلیم و تربیت»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۴۱.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، «بازسازی نظام تعلیم و تربیت اسلامی»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۲۸، صص ۴-۶.
۳. \_\_\_\_\_ (الف ۱۳۸۵)، «بهره‌گیری از روش‌شناسی تحوّل‌یافته‌ی اجتهادی لازمه‌ی تولید علم دینی»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۴۹، صص ۹-۴.
۴. \_\_\_\_\_ (ب ۱۳۸۵)، مصاحبه: «فقه‌التربیه نظریه‌ای نو در علوم تربیتی اسلامی»، معرفت، شماره ۱۰۴، صص ۱۷-۱۱.
۵. موسوی، سیدنقی (۱۳۹۲)، «پیشینه‌شناسی رویکرد فقهی به تربیت»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱، صص ۲۲۳-۱۷۹.
۶. \_\_\_\_\_ (الف ۱۳۹۷)، «فقه تربیتی در ترازوی ارزیابی نقدها»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱۰، صص ۲۱-۷.
۷. \_\_\_\_\_ (ب ۱۳۹۷)، «نقش عالمان شیعه در فقه‌التربیه، در: نقش شیعه در اخلاق، تربیت و حقوق»، کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، قم: امام علی بن ابیطالب (ع).
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، «تبیین چرایی فقه تربیتی»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۴، صص ۳۰-۷.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، «درآمدی بر فلسفه‌ی فقه تربیتی»، پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۰، صص ۳۰-۹.
۱۰. \_\_\_\_\_ (الف ۱۴۰۱)، «پیشینه‌شناسی فقه معلّمی»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱۷، صص ۳۲-۷.
۱۱. \_\_\_\_\_ (ب ۱۴۰۱)، «فقه و اخلاق معلّمی: هم‌نشینی یا جانشینی»، تربیت اسلامی، شماره ۴۲، صص ۷۵-۵۳.